



فناوری در مرز

همزیستی ژئوپلیتیک و ژئواکونومی

ترجمه و گردآوری:

حمیدرضا جلیلیان
دستیار علمی دانشگاه پیام نور

دکتر محمدرئوف حیدری فر
استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه پیام نور

چکیده

مرز عامل اصلی در تعریف سرزمین و از پایه‌های اساسی علم جغرافیای سیاسی می‌باشد؛ اما به همراه بحث‌های زیاد در ارتباط با مرزهای باز در اتحادیه اروپا، امروزه ما نیز شاهد مباحث مرززدایی در چارچوب سرزمین زدایی هستیم. گرچه جهان گرایان - که از طیف وسیعی نیز برخوردارند - از وجود روند ثابت مرززدایی برای آینده دور خبر می‌دهد ولی ما هم اکنون شاهد تقویت مرزها در پاره‌ای از نقاط جهان نیز می‌باشیم.

این مقاله در این راستا با رویکردی نو واقع‌گرایی آشتی و پیوند ژئواکونومی و ژئوپلیتیک را در مرزهای آمریکای شمالی با توجه به روند جهانی شدن بیان می‌دارد. بدین معنی که با آزاد سازی اقتصادی در درون نفتا، نیازهای امنیتی جهت مقابله با تهدیدات گوناگون در مرز، اهمیتی دو چندان یافته است. راه حل رضایت بخش این امر تکنولوژیکی بوده که پیوند و آشتی ژئواکونومی و ژئوپلیتیک را در مرز به همراه داشته است.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، ژئواکونومی، جهانی شدن، مرز، سرزمین.

۱- مقدمه

ذکر این نکته از این اهمیت اساسی برخوردار است که فهم قواعد ژئوپلیتیک و درک معادلات بین‌الملل در سالیان آتی نیازمند در نظر داشتن تحول مفهوم و کارکرد مرز می‌باشد. یعنی در حالی که ما در دنیای سنتی گذشته که مرز عاملی بازدارنده و کارکردی در مقابل جابجایی انسان، کالا و اندیشه بود بسر نمی‌بریم، بلکه وارد دنیایی شده‌ایم که جای آن را پیوند و همزیستی ژئواکونومی و ژئوپلیتیک در مورد مرز گرفته است. پذیرفتنی است که در این دنیای جهانی شونده‌ی روز افزون که در آن بسیاری از پدیده‌ها و فرایندها همانند آلودگی هوا، تروریسم، سازمان‌های فراملی و... مرز نمی‌شناسد و سخن گفتن از ژئوپلیتیک سنتی بی‌معنا؛ اما این بدان معنی نیست که ما دیگر شاهد تأثیر مرز نخواهیم بود. بلکه حتی در جاهایی مثل مرزهای بیرونی اتحادیه اروپا و یا کشورهای آمریکای شمالی با تأثیر و اهمیت فزاینده روبرو بوده است. در این زمینه تلفیق ژئواکونومی (تجارت آزاد) و ژئوپلیتیک (امنیت) در مرز با کمک تکنولوژی قابل فهم می‌باشد. مثلاً ترکیب ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک ایالات متحده در نواحی مرزی پس از یازده سپتامبر مشخص‌تر شد؛ حتی توجه کنگره به مرزهای شمالی با کانادا نیز معطوف گردید؛ و این در حالی بود که قبل از یازده سپتامبر امنیت منحصر به مرزهای جنوبی بود. رویه‌های مهاجرتی و گمرکی جدیدی

تعریف گردید و شکل قانونی‌تری به خود گرفت. [در حالی که باید در عصر جهانی شدن ما شاهد بازبودن مرزها باشیم، شواهد از روند سخت‌تر شدن عبور مرزی حکایت می‌کند]. مرزهای مکزیک و آمریکا همانند مرزهای شمالی آمریکا به دلیل وجود تهدیدات امنیتی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. تکنولوژی شناسایی، بازرسی مهاجران، بستن ادواری مرز، و تحقیقات پی در پی و گسترده حکایت از روندی می‌کند که به نظر با تئوری‌های سرزمین‌زدایی و مرززدایی در عصر جهانی شدن جور در نمی‌آید. کل خطوط حمل و نقل فرامرزی به وسیله گروه‌های گارد ملی مورد بازرسی قرار می‌گیرند، که مبادا تروریست‌های پنهان شده، موادمخدر، مهاجران غیرقانونی و سلاح‌های کشتار جمعی از مرز عبور کنند. عبور و مرور در مبادی ورودی در مرز جنوب غربی ایالات متحده بسیار کاهش یافته است.

۲- روش تحقیق

هدف این مقاله ارزیابی و کنکاش در ارتباط با چگونگی سرنوشت مرزها در آینده از طریق مطالعه‌ی موردی یعنی مرزهای آمریکای شمالی است. فرض اصلی که ماندگاری مرزها برای سالیان بسیار دور است با استفاده از شواهد عینی و البته جمع آوری شده به کمک دیگران اثبات می‌گردد. به طور کلی روش این پروژه توصیفی - تحلیلی بوده که کار جمع آوری مطالب آن از طریق کتابخانه و اینترنت می‌باشد.

۳- یافته‌های تحقیق

۳-۱- تکنولوژی و مرز: مرزهای ایالات متحده

پیشرفت‌های روز افزون در تکنولوژی مراقبت و امنیت - شامل مرزهای هوشمند - راه حل سیاسی رضایت بخشی در مورد مشکل رخنه تروریسم در ایالات متحده بوجود آورده و این در حالی است که جریان کالا و افراد ناشی از جهانی شدن حفظ گردیده است. بازیگران دولتی و عامه‌ی مردم اهداف سیاسی برای امنیت مرز دارند که بر مبنای گمانه‌زنی و تخمین مادی و گفتگمانی تهدیدات قرار دارد. به صورت روزافزون، آنان خواهان به کارگیری اختراعات تکنولوژیکی جهت دست کم برخورد با مشکلات یا مهمتر از آن رفع آنها هستند. این راه‌حل‌های تکنولوژیکی همچنین موجب برخی پرسش‌ها در مورد درجه‌ی تأثیر و نیز ارزش‌های دمکراتیک شده است. (Ackleson, 2003) مرزهای هوشمند یکی از ابتکارات جدید جهت تسهیل تجارت و در همان زمان کنترل و مراقبت از تروریست‌ها، سلاح‌های کشتار



با توجه به این واقعیات بازهم، رئیس جمهور ایالات متحده خواهان ایجاد مرزهای هوشمند هماهنگ با توسعه تجارت در عصر جهانی شدن شد تا این کشور را از خطر حملات تروریستی، مهاجرت غیرقانونی، قاچاق دارو و دیگر کالاهای حفظ کند. طرح مذکور (مرزهای هوشمند) شامل تصویربرداری از کالاهای تجاری در هنگام عبور از مرز بود. چنین سیستم جدیدی جهت آزمودن کالاهای ایالات متحده به کار برده شد. این سیستم طراحی شده ابتدا مواد منفجره را تشخیص می‌داد، همچنین ظرفیت تشخیص مواد مخدر در وسایل نقلیه را نیز داشت. این سیستم بر مبنای سیستم اشعه X بود که درصد خطای بسیار کمی داشت، و به مدتی بسیار طولانی عمر می‌کرد و اغلب نتایج مفیدی در برداشت تکنولوژی اولیه آن نیز به وسیله شرکت آنکور⁽³⁾ تأمین شد، آنالیزگر نترونی با سرعت بالا، و پرتوافکنی قوی - که حمل و نقل وسایل را آزمایش و از کالا تصویربرداری می‌کرد - از عناصر اصلی آن بود. نترون‌های جنبنده با عناصر اسکن شده درگیر شده، اشعه گامای متمایزی تولید کرده که منطبق با عناصر شیمیایی خاص (مثلاً شیمی انفجار) می‌شد. این اطلاعات نیز تجزیه و تحلیل شده و به صورت داده در اختیار افسر بازرسی قرار می‌گرفت. پس از ۶ ماه به صورت آزمایشی، این سیستم در سال ۲۰۰۲ در پل زاراگوزا⁽⁴⁾ بین جوارز، مکزیک و ال پاسو، آمریکا به کار گرفته شده است. در حالی که دپارتمان دفاعی به کمک سرویس گمرکات ایالات متحده و نیز تشکیلات امنیت حمل و نقل پیشگامی این پروژه را برعهده دارند و از حامیان کابینا هیل⁽⁵⁾ تمایل زیادتری جهت خرید ماشین‌ها و وسایل پیشرفته بیشتری را نشان داده‌اند. سیلستره ریس، نماینده کنگره و عضو کمیته تحقیقات نظامی کاخ سفید معتقد است که این تکنولوژی توان اجرای قانون و تسهیل تجارت و بازرگانی را در طول مرز دارا است. وی می‌گوید: بعد از ۲۶ سال مبارزه کنگره با تجارت دارو و تروریسم، من این تکنولوژی را مفید و مؤثر می‌بینم، به طوری که سطح امنیتی جدیدی برای ایالات متحده به ارمغان آورده است.

یازده سپتامبر و مرزهای هوشمند

کاهش ۵۰ درصدی مهاجرت و کاهش قاچاق مواد مخدر در نواحی مرزی از دیگر نتایج حاصله این فرایند است. اما رویه‌های مداوم امنیتی بازرگانی قانونی را نیز دچار اختلال نمود. برای مثال، گرچه تجارت ایالات متحده با شوکای نفتی‌اش بین ژانویه و آگوست ۲۰۰۱ به ۱/۵ درصد کاهش - به علت رکود اقتصادی - انجامید، ولی کاهش ۱۱/۶ درصد در تجارت فرامرزی بین سپتامبر و دسامبر ۲۰۰۱ به دلیل امنیت مردم، و وسایل نقلیه (یعنی بازرسی آنها) صورت گرفت. (Coleman, 2004)

معمای امنیت حل نشده باقی مانده است. در طی سالهای بعد از یازده سپتامبر، توجه گسترده بر منطق ایالات متحده در مورد تجارت و امنیت حاکم در مرز معطوف شده است. برای مثال، گروه‌های جناح راست ضدهم‌اخراجان عموماً هشدار داده که مرزهای باز تجاری - به جای مرزهای قوی و کنترل‌های شدید ورود و خروج - حملات تروریستی آینده را به دنبال دارد، نظامی شدن سیاست گمرکی و مهاجرتی در جنوب غربی ایالات متحده باید عنصر اصلی جنگ با ترور باشد. در حالی که تبلیغات تجاری هنوز وجود دارد، ورود و خروج کانتینرها از مناطق ورودی جنوب غربی باعث افزایش تلاش‌های ژئوپلیتیکی جهت تحت نظارت قرار دادن این گونه جریانها شده است.

جمعی، داروهای قاچاق و مهاجران غیرقانونی است. هم اکنون این ابتکار باعث همکاری نزدیک آمریکا، مکزیک و کانادا جهت مبارزه با تروریسم شده است. گرچه مرزهای هوشمند مربوط به ورودی‌های مرز است، ولی این امر مدیریت مناسب آن را نیز داشته است. (Ackleson, 2005) در سال‌های اخیر، نگرانی‌های روز افزون امنیتی شامل رشد مافیای جهانی و تروریسم باعث افزایش علاقه و تحقیق در مورد تکنولوژی بیومتریک جهت بازرسی‌های هویتی افراد شده است. این تکنولوژی با تقاضاهای فراوان مورد توجه قرار گرفته که خود به معنای پرکردن شکاف روش‌های سنتی مرزرداری در عصر جهانی شدن شده است. (Thomas, 2005) این در حالی است که به کارگیری این تکنولوژی سبب تقویت مرز و کارایی مدیریت آن نیز شده است. (Kouri, 2005)

در این زمینه رئیس جمهور سابق آمریکا گفته است: ما می‌خواهیم از تکنولوژی‌مان استفاده کنیم تا اطمینان دهیم آنهایی که نمی‌خواهیم در کشورمان باشند؛ تروریست‌ها و گرگ‌های صحرایی (قاچاقچیان) را بیرون اندازیم. (Gate, 2002) در همین زمینه وی ۱۲۵ میلیون دلار را جهت آزمایش و خرید تکنولوژی و ۵۱ میلیون دلار را در زمینه تقویت سنسورها و تجهیزات ویدئویی برای سال ۲۰۰۵ اختصاص داد. (USA Today, 2005) تام ری‌دیج می‌گوید: ما در مورد این وسایل بسیار جدی هستیم هم در دریا و هم در خشکی. این وسایل همچنین درصدها مایل به دوربین‌ها، سنسورها، تجهیزات ارتباطی و غیره مجهزند. ضمن این که با موفقیت این مشکلات در جنگ با افغانستان و عراق، کارایی آنها در مرز نیز مورد قبول عامه واقع شده است. در حالی که گارد ساحلی در حال تحقیق برای پیشرفته نمودن این تکنولوژی از طریق کشتی‌هایش است (SF Gate, 2004) این گونه جریان‌ها و مراقبت‌های فضایی و مرزبندی دوباره حکایت از سرزمین سازی مجدد آمریکا می‌کند. (Coleman, 2003)

این تکنولوژی که برخلاف مواد حقوق بشر نیز هست، مهاجرت را به مثابه جرم می‌بیند. ابعاد بیومتریک از مهاجرت غیرقانونی جلوگیری می‌کند و این مهاجران به دلیل ترس از تروریسم بسیار مورد بازرسی قرار می‌گیرند. (Thomas, 2005)

۲-۳- تکنولوژی مراقبت: مردم و کالا

مرزهای کانادا و مکزیک و بنادر ایالات متحده کانال عبور جریان‌های گسترده‌ی کالا در عصر جهانی شدن است؛ همچنان که این مرزها بازتر می‌شوند، نگرانی‌های جدی نیز مربوط به ورود سلاح‌های تروریستی را به دنبال دارد. در مرز مکزیک - ایالات متحده به تنهایی میلیون‌ها کامیون سالانه عبور می‌کنند. حجم ترافیک با وجود نفتا بسیار انفجارآمیز شد، و در بسیاری موارد موجب به تأخیر افتادن عبور و مرور گردید. تعداد کانتینرهای بیست پای عبور کننده از مرز و بنادر آمریکا بین سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۰ به دو برابر یعنی از ۱۵/۲ به ۳۰/۳ میلیون افزایش یافت. اکثریت این کانتینرها تحت بازرسی نبوده‌اند. متشابهاً روزانه یک میلیارد دلار بازرگانی بین ایالات متحده و کانادا وجود دارد که کانادا را به بزرگترین شریک تجاری ایالات متحده تبدیل می‌سازد. ۴۵ درصد این تجارت از بنادر اونتاریو/میشیگان و ۳۰ درصد از طریق ناحیه نیاگارا/اری⁽⁶⁾ و فورت/بوفالو صورت می‌گیرد. پل سفیر⁽⁷⁾ در دیترویت به تنهایی بزرگترین معاوضه بازرگانی در کل ایالات متحده را به خود می‌بیند. (تقریباً ۱۱ میلیون وسیله نقلیه در ۱۹۹۷ شامل ۵/۵ میلیون کامیون سالانه از آن عبور می‌کند)



بیومتریک

بیومتریک روش‌های خودکار شناسایی انسانهاست، که بر مبنای شاخص رفتاری یا فیزیکی منحصر به فرد و شخصی افراد است. این خصوصیات شامل چهره، اثر انگشت، هندسه دست، دست خط، شبکه چشم و نوع صدا می‌باشد. تکنولوژی‌های بیومتریک در شناسایی، صحت و درستی افراد معمولاً بر مبنای اشکال تغییرناپذیر (برخلاف علائم مربوط به پاسپورت) است، پس از نظر تئوری دارای امنیت بالایی است.

زمانی که اطلاعات بیومتریک با اطلاعات کامپیوتری یکی شود، سیستم می‌تواند در شناسایی (افراد) در نواحی مرز جابگو باشد. این تکنولوژی به وسیله برخی تحلیل‌گران به فال نیک گرفته شده و به مثابه یکی از ده تکنولوژی برتر در حال ظهور نگریسته شده که جهان را تغییر می‌دهد. همچنین به مثابه‌ی ابزاری ممکن و در دسترس برای مبارزه با تروریسم از طریق تشخیص تروریست‌ها، جلوگیری از فریب کاری در امر شناسایی، کنترل مرزها و نقاط ورودی است. سیاستگذاران علائق زیادی را نسبت به این امر نشان داده‌اند (دولت فدرال آمریکا در تعداد زیادی از سیستم‌های امنیتی‌اش آن را به کار برده است) و دولت پروژه‌های زیادی در حال انجام دارد. یکی از بزرگترین این طرح‌ها در مرکز بیومتریک که وابسته به اف‌بی‌آی است، در دست اجراست. به علاوه، کنسرسیوم بیومتریک دیگر ارگان شناسایی کننده، کلید اصلی برای این تکنولوژی‌هاست. همچنین آشکار است که وزارت امنیت میهنی نقش زیاد اما ناشناخته‌ای در شکل دهی سیاست‌های بیومتریکی در نبرد با تروریسم دارد؛ این پروژه را نیازمند کار و ادامه می‌داند. احتمالاً این نوع تکنولوژی از عناصر ماندگار و طولانی مدت در فرایند سیاسی (مربوط به مرز) خواهد بود، به عبارتی بخش دیگری از چرخه سیاست‌سازی است. تکنولوژی بیومتریک در مورد ۴ میلیون کارت عبور مرزی (BBC) بوده که به شکل تلق‌های نسوز درآمده است. INS و وزارت خارجه، این کارت‌ها را برای مکزیکی‌هایی که خواهان عبور از یک منطقه مرزی محدود (۲۵ مایل) و برای مدت ۷۲ ساعت هستند، منتشر کرده است. در هر کارت نمایشی از اطلاعات غیرقابل تغییر و با ظرفیت ۸۰ هزار بایت اطلاعات (که شامل اثر انگشت و عکس دیجیتالی است) وجود دارد. قانون کنونی از مکزیکی‌های عبور کننده از مرز می‌خواهد که کارت BBC را به همراه داشته و از آن استفاده کنند. اطلاعات بیومتریک در کارت حتماً با افراد صاحب آن باید جور شود، و از این نظر استفاده‌های نادرست را- که شکل کارت‌های قدیمی بود- از بین می‌برد (حداقل از نظر تئوری). بعلاوه وزارت خارجه از کشورهای دیگر خواهان اسناد سفر بیومتریک شده است. (Ackleson, 2003)

۳-۳- تکنولوژی اطلاعات

کنگره برای تقویت کنترل مرز در سال ۲۰۰۲ قوانین مهاجرتی را تعریف کرد که به تکنولوژی اطلاعات ارتباط داشت. این امر، با همکاری دستگاه‌های دولتی امکان‌پذیر می‌شد. در گذشته تقسیم اطلاعات بین دستگاه‌های دولتی پیچیده بود، اما امروزه ذخیره‌ی اطلاعات و البته تقسیم آن کار آسانی است، بخصوص زمانی که نقش تکنولوژی در میان باشد. زمانی که تهدید مهاجرت مطرح باشد، اطلاعات در مرکز اطلاعات ملی تحت نظر اف بی آی که بزرگترین منبع اطلاعات کشور است در اختیار افسران پلیس قرار می‌گیرد.

متشابهاً، لابی طرفدار تجارت آزاد اعلام نمود که روابط تجاری پس از یازده سپتامبر به وسیله امنیت در خطر است، و این امر و توجهات و نگرانی‌ها بهتر است بر جریان ویزا معطوف گردد نه صرفاً بر کنترل مرز. شورای روابط خارجی نیز معتقد است که کامیون، کانترینر، حرکت ریلی به داخل ایالات متحده، باید از طریق پروسه گمرکی الکترونیکی تحت کنترل و مراقبت قرار گیرند. به این ترتیب سیاست کنترل مرز به حذف تجارت نمی‌انجامد. در پاسخ به این گونه بحث‌ها، دولت وقت ایالات متحده به مزیت‌های وجود تکنولوژی پرداخت. در حالی که استراتژی امنیت ملی دولت برای ایالات متحده در سال ۲۰۰۲، توسعه تجارت آزاد و مبارزه در برابر تروریسم جهانی را جزء اصول جدایی‌ناپذیر سیاست خارجی هزاره‌ی جدید می‌داند، هم اکنون از طریق اجرای بحث‌های مرزهای هوشمند با کانادا و مکزیک این طرح در حال انجام است. (Ibid) مرز هوشمند به وسیله دولت به این شکل تعریف شده است: سیستم کنترل گمرک و مهاجرت مبتنی بر تکنولوژی‌هایی است که آهنگ توسعه را به همراه حمایت از ایالات متحده و سرزمین‌هایش در برابر تهدیدات تروریستی، مهاجرت غیرقانونی، قاچاق دارو و دیگر کالاها حفظ می‌نماید (Office of The President of United States, 2002).

تکنولوژی اصلی شامل وسایل بیومتریک خودکار یعنی برگه‌های ID به همراه اثر انگشت، تجهیزات تصویربرداری و اسکن از صورت، تجهیزات شناسایی صدا و چشم می‌باشد. تجهیزات شناسایی مبتنی بر اشعه گاما برای وسایل نقلیه، وسایل الکترونیکی جهت جستجوی کانتینرهای ترانزیتی و دیگر اشیاء، اطلاعات پایه مربوط به مهاجرت جهت شناسایی افراد و اطلاعات کلی مربوط به عبور و مرور مرزی از پایه‌های تکنولوژی مرز هوشمند است. راه حل مرز هوشمند به صورت فعالانه و به وسیله آمریکایی‌ها به کار گرفته شده است. در سال‌های اخیر اعضای کابینه ایالات متحده خواهان برخی تکنولوژی‌های دیگر شدند که شامل سیستم‌های شناسایی کننده‌ی ماهیت مسافران و عبور و مرور بازرگانی، ثبت نام الکترونیکی ملیت‌های دیگر، ایجاد اطلاعات پایه‌ای بیومتریک، گمرک الکترونیکی و دستگاه‌های پیشرفته در بنادر ورودی و نقاط مرزی شدند. بنابراین، ابتکار مرز هوشمند به صورت دو برابر دارای اهمیت است چرا که پیام آور مدل دوگانه همکاری امنیتی بعد از یازده سپتامبر بین مکزیک و ایالات متحده (و نیز کانادا) است که از دوره‌های قبلی متمایز است. حتی مکزیک از سیاست غیرفعال در ارتباط با مهاجرت به سمت سیاستی فعالانه- در راستای حمایت از مرزهای هوشمند- شده است. این سیاست فعالانه شامل حمایت از نظامی شدن سیاست کنترل مهاجرت در طول مرز با گواتمالا است. گزارش اخیر GAO که به وسیله قانونگذاران کنگره درخواست شده بود، بیان داشت که شکاف وسیعی بین استفاده‌ی عملی و نظری از این گونه تکنولوژی‌ها وجود دارد. از یکطرف، گزارش اظهار داشت که تکنولوژی‌های شناسایی مثل اسکنرها، احتمالاً به کاهش عبور و مرور بازرگانی به دلیل حجم عظیم کانتینرها، کامیون‌ها و ماشین‌های ریلی توقیف شده و در حال بازرسی می‌شود، و از طرف دیگر نیز گزارش بیان می‌کند که مراقبت‌های بیومتریکی در مرز احتمالاً به ازدحام ترافیک منجر خواهد شد؛ چرا که تعداد قابل توجهی از عبور کنندگان مرزی را به سایت‌های بازرسی دوم برای جزئیات بیشتر می‌فرستد. خلاصه آشکار نیست که تکنولوژی بتواند باعث حل تنش مابین امنیت و تجارت در مرز گردد. (Coleman, 2004)



بازرسی بود. بودجه فدرال برای سال ۲۰۰۳ بیش از ۲ میلیارد دلار و برای هزینه‌های امنیت مرزی بود که از این حیث افزایش یافت. این افزایش برای INS، ۲۹ درصد و برای سرویس گمرکات ۲۶ درصد بود گرچه بیشترین افزایش نصیب گارد ساحلی شد که از حیث تاریخی بی‌سابقه بود. بعلاوه این تشکیلات تحت پوشش از وزارت امنیت میهنی - که بزرگترین سازمان سازی مجدد دولت فدرال از پایان جنگ جهانی دوم بود - گردهم آمدند. (Andreas, 2003) حجم همین بودجه برای سال ۲۰۰۶، ۳۰/۸ میلیارد دلار بود که به وزارت امنیت میهنی اختصاص یافت. ۷/۵ میلیارد دلار مربوط به مهاجرت غیرقانونی و نیز ۱۳۹ میلیون دلار جهت بهبود تکنولوژی مرز و ظرفیت‌های اطلاعاتی شامل دوربین و سنسورهای مختلف بود.

میشل چاروف^(۷)، وزیر امنیت میهنی آمریکا اظهار کرد: «بوش اهمیت بسیار زیادی برای امنیت مرزی قائل است و منابع مهم را به این چالش اختصاص داده است. بوش معتقد است که مهاجرت غیرقانونی جامعه‌ی ما و امنیت ملی ما را تهدید می‌کند. توانایی ورود افراد به صورت غیر قانونی به کشور ما بیانگر تهدید امنیت آشکار میهنی است. زمانی که ما مرزهایمان را کنترل نکنیم، با خطر ورود تروریست‌ها یا کسانی دیگر که آرزوی ضربه زدن به ما را دارند مواجه می‌شویم.» (Laflamme-Isa, 2004)

تحت پیمان پاترویت^(۸) تعداد تشکیلات در مرز کانادا به سه برابر افزایش یافت. گارد ساحلی هم اکنون کلیه‌ی قایق‌های در حال عبور از دریاچه‌های بزرگ را متوقف کرد و تانکرهای نفت و گاز را اسکورت می‌کند. بعلاوه خود کانادا هشدار داده و اعلام خطر فراوانی نسبت به عبور از مرز بلافاصله پس از حملات را نمود. از آن پس، سطح امنیت در فرودگاه‌ها افزایش یافت و تکنولوژی و پرسنل بازرسی کننده نیز افزایش یافتند؛ قانونگذاری نیز در زمینه مبارزه، با امور مالی تروریست‌ها آغاز و موجودیت‌های گروه‌های تروریستی شناخته شده ضبط گردید. بعلاوه کارت‌های اقامت تقلبی برای مهاجران جدید شناسایی، ظرفیت حبس بالا رفت و بازگشت مهاجران بشدت پی‌گیری شد و رژیم ویزا سخت‌تر گردید. (Andreas, 2003) هم اکنون نیز ملیت‌های ۲۷ کشور شامل استرالیا، اتریش، نروژ، بلژیک، ژاپن، انگلیس، فرانسه، آلمان و... مجبور به اجرای حکم کنگره هستند که خواستار پاسپورت‌هایی است که دارای عکس‌های دیجیتال باشد. طبق اعلام وزارت خارجه از این کشورها درخواست شده که پاسپورت‌های کامپیوتری تهیه کنند که منطبق با ریز پردازنده‌ی RFID باشد که اطلاعات بیوگرافیکی، عکس دیجیتالی و دیگر جزئیات بیومتریکی را در پاسپورت تا ۲۶ اکتبر ۲۰۰۶ ذخیره داشته باشد. این تکنولوژی که تحت برنامه VISIT ایالات متحده است، شناسایی سریع‌تر و بیشتری در مورد فعالیت‌های غیرقانونی فراهم می‌سازد. (Laflamme-Isa, 2004)

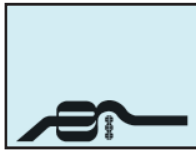
در ۵ ژوئن ۲۰۰۵، وزارت امنیت میهنی ایالات متحده اعلام کرد که به جای انتشار پاسپورت‌های اینترنتی تا ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵، با برنامه صرف نظر از ویزا^(۹) کشورها باید به تولید پاسپورت‌های باعکس دیجیتال اقدام کنند. به هر حال ایالات متحده مدعی بود که کلیه‌ی کشورهای دارای این برنامه باید طرحی جهت انتشار پاسپورت با ریزپردازنده‌های گردشی تا ژوئن ۲۰۰۶ انتشار دهند. تنها بلژیک بود که به این امر پاسخ داد. این کشور در نوامبر ۲۰۰۴ تکنولوژی جدیدی در پاسپورت‌هایش به کار برد. (Gomm, 2005) به هر

این تکنولوژی در نواحی مرزی استفاده می‌گردد. وزارت اطلاعات از این تکنولوژی استفاده می‌کند. سرویس اقامت و مهاجرت (INS) از این تکنولوژی جهت بازگرداندن افراد غیرمجاز استفاده می‌کند. به هر حال تکنولوژی اطلاعات شامل ابزارهای IT بوده که اطلاعات مربوط به اشخاص را از طریق شبکه در اختیار دستگاه‌های دولتی و سرویس‌های اطلاعات و افسران پلیس قرار می‌دهد. گفته می‌شود که این ابزاری برای سالم‌تر بودن آمریکایی‌هاست. به هر حال جزء دانش‌های با ارزش است. چنان که دولت‌ها به صورت روزافزون از آن جهت تأمین نیازهای امنیتی جامعه در عصر ترور استفاده می‌کنند. (Ackleson, 2003)

کنترل مرزی قبل و بعد از یازده سپتامبر

قبل از حملات یازده سپتامبر، امواج اجرایی مربوط به مرز آمریکا اساساً بر جلوگیری از جریان قاچاق دارو و مهاجرت مبتنی بود. سرویس اقامت و مهاجرت INS بوجود آمد تا میلیون‌ها کارگر مهاجر در حال ورود به کشور و جستجوگر استخدام و کار - نه افراد تروریست - را تحت سیاست خود قرار دهد. مبارزه با تروریسم به صورت سنتی از اولیوی بسیار پایین برخوردار بود. مشابه آن، سرویس گمرکات ایالات متحده نیز انرژی خود را بر قاچاق دارو به کشور متمرکز کرده بود، گارد ساحلی نیز بر جلوگیری از مهاجرت و قاچاق دارو توجه داشت. ولی در کل تأثیر این اقدامات نیز در هاله‌ای از ابهام بود. همچنین قبل از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، بیشتر فعالیت‌ها بر مرز مکزیک - ایالات متحده استوار بود تا مرز کانادا - آمریکا. مثلاً تنها ۳۳۴ تشکیلات مرزی از ۵/۵۲۵ مایل مرز آمریکا در شمال حفاظت می‌کردند. در حالی که ۹ هزار تشکیلات در لبه‌ی جنوبی آمریکا (۲/۰۹۲ مایل) مستقر بودند. حتی در دهه ۱۹۹۰، زمانی که بودجه INS سه برابر شد و حجم کنترل مرزی نیز دو برابر گشت، توجهات تقریباً منحصر به مرز مکزیک - آمریکا بود. در ۱۱ سپتامبر، تشکیلات کنترل کننده‌ی مرز برون سویل^(۱۰)، نگزاس برابر با کل تشکیلات مرز کانادا و آمریکا بود. (Andreas, 2003) اما ماهیت نسبتاً باز مرز در آن زمان فرصت‌های بی‌شماری را برای کارگران مصمم فراهم می‌ساخت تا بصورت غیرقانونی از مرز عبور نمایند. (Ackleson, 2004)

در حالی که محققین مفهوم محیط جدید امنیت رامطرح می‌کردند، روشن شد که پاسخ اصلی ایالات متحده به تروریسم مستقیماً بر سیاست مهاجرت و مرز مبتنی است. (Ibid) بزرگترین تهدید برای امنیت سرزمینی ایالات متحده مهاجران غیرقانونی بود که از طریق مرزهای نفوذپذیر وارد کشور می‌شدند. حجم عظیم مهاجران غیرقانونی سبب نگرانی‌های امنیتی در آمریکا نسبت به تروریسم شد. آقای تینگ (Ting, 2005) معتقد است که امروز، مهاجران دارای ترفندهای زیادی جهت عبور، اقامت طولانی مدت، انتشار ویزاهای تقلبی و غیره هستند و از این جهت مقامات دولت فدرال باید بر ترس خود نسبت به بیگانه نمودن رأی دهندگان قومی غلبه نمایند، و رویه‌های مهاجرت قانونی بخصوص برنامه چشم پوشی از ویزا را اصلاح کنند و مرز را تقویت کنند و سیاست‌های ملی مهاجرت را اصلاح نمایند. به هر حال پس از یازده سپتامبر و در نتیجه حمله به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون روند جاری کسب و کار در هر دو سوی مرز ایالات متحده مختل شد. پاسخ فوری ایالات متحده افزایش امنیت مرزی و تقویت



می‌داند. با اشاره به بودجه ۶/۷ میلیاردی برای بخش مرز و گمرکات در سال ۲۰۰۶، و اختیار تام داشتن وزارت امنیت میهنی در ساخت دیوار و موانع مرزی، به نظر می‌آید که وی به صورت غیرمستقیم به تشویق جهت ساخت آن می‌پردازد. گرچه دیواری سه لایه در سان دیگو وجود دارد که تعداد مهاجران را از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۰۲ و از ۴۵۰۱۵۲ نفر به ۱۰۰ هزار نفر کاهش داده است. (Ackleson, 2005) همچنین دیوار سه لایه دیگری در ناحیه‌ای که به گذرگاه قاچاقچیان معروف است، در حال ساخت می‌باشد. این دیوار طولی ۱۴ مایلی داشته و به کمک میله‌گذاری و پرکردن کانیون انجام می‌شود. (Ibid)

۳-۵- مرزهای مکزیک

در این قسمت ما سعی داریم که مرزهای جنوبی مکزیک را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم چرا که در مورد بخش شمالی مرزهای مکزیک شامل مرز جنوبی آمریکا قبلاً بحث شده است. گرچه، خود مرزهای جنوبی مکزیک نیز برای آمریکایی‌ها به عنوان مرزهای ثالث شناخته می‌شود یعنی آمریکایی‌ها معتقدند جهت حفاظت از سرزمین خویش ابتدا باید به تقویت مرزهای جنوبی مکزیک کمک کرده و سپس به عنوان مانع دوم از ورود خارجی‌ها در مرزهای جنوبی خود جلوگیری نمایند.

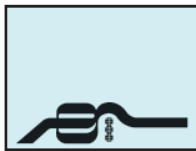
آمریکایی‌ها معتقدند وجود بلاهای طبیعی همانند هاریکان‌ها و تورنادوها و زلزله‌های گوناگون بعلاوه ساختارهای مریض و حکومت‌های فاسد در کشورهای آمریکای مرکزی همانند گواتمالا زمینه‌ی وجود مهاجرت‌های غیرقانونی را فراهم می‌سازد و در حالی که مرز مکزیک در جنوب فقط دارای امکان کنترل در برخی مناطق [محدود] است، مهاجران به صورت غیرقانونی وارد نواحی جنوبی مکزیک می‌گردند. مقامات مهاجرت مکزیک در سال ۲۰۰۵ حدود ۱۰۹/۲۶۰ نفر را دستگیر کردند که عمدتاً از گواتمالا، هندوراس، السالوادور و نیکاراگوا بودند [۴۹ درصد از کل مهاجران]. گرچه افزایش قابل توجهی نیز در تعداد مهاجران برزیلی، اکوادوری، کوبایی، آسیایی و خاورمیانه‌ای دیده می‌شود. این آمار در سال ۲۰۰۴، ۶۵/۸۱۴ نفر بود و در سال ۲۰۰۳ این تعداد ۳۹/۲۱۵ نفر است. (Grayson, 2006) یعنی ما شاهدیم که هر ساله بر تعداد دستگیر شدگان افزوده و کنترل مرزها بیشتر می‌شود و تشکیلات مهاجرت ملی مکزیک نیز مراقبت‌های مرزی‌اش را تقویت کرده است. گرچه آمریکایی‌ها، مکزیک را متهم می‌کنند و معتقدند که مرزهای مکزیک سمبلیک و نفوذپذیر است.

ایالات متحده همچنین مکزیک را متهم کرده است که مهاجران آمریکای لاتین از این کشور به عنوان راه عبوری برای رسیدن به کالیفرنیا، آریزونا، نیومکزیکو و تگزاس استفاده می‌کنند. برای همین منظور رئیس جمهور وقت مکزیک، فاکس به چپاپاس رفت و تعهد کرد این وضعیت اصلاح شود. وی سیاست‌های نادرست گذشته را عامل اصلی دانست. همچنین وی طرحی را پیشنهاد کرد که همکاری بین مؤسسه مهاجرت مکزیک، پلیس فدرال و اداره دادستانی کل را بیشتر می‌کرد تا راه‌های قاچاق انسان تحت کنترل قرار بگیرد و فساد و جرم سازمان یافته مربوط به تجارت انسان، دارو و کالا از آمریکای مرکزی تحت مراقبت بیشتر قرار بگیرد. در این زمینه یکی از اعضای مؤسسه مهاجرت مکزیک گفت: مابترین عملیات‌هایمان با بهترین نیروهایمان را در آنجا [یعنی مرزهای جنوبی مکزیک] داریم. آن طرح شامل

حال سیستم مدیریت آینده‌ی مرز باید متفاوت از نوع امروزی آن باشد. این امر زمینه ایجاد «مرزهای آینده» را فراهم می‌کند که به وسیله‌ی زنجیره‌ی به هم پیوسته‌ای از ابعاد هوایی، زمینی و دریایی شکل می‌گیرد و این سیستم مدیریت لایه‌دار، دید وسیعتری از وسایل، افراد و کالاهای در حال ورود و خروج ایجاد می‌کند. این مرز آینده امنیت بیشتری را تأمین و از طریق سرویس‌های اطلاعاتی، تلاش‌های ملی هماهنگ، همکاری‌های بین‌المللی بی‌سابقه در مقابل تهدیدات تروریست‌ها، مافیای سازمان یافته‌ی بین‌المللی قاچاق دارو، مهاجران غیرقانونی، جرمهای اینترنتی، تخریب یا دزدی منابع طبیعی امکان می‌یابد. در همان زمان، مرز آینده به صورت روز افزونی در مقابل جریان مردم، کالا و حمل و نقل و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مشروع باز است. دولت فدرال منابعی را در جهت مدیریت ریسک در مورد سیستم امنیت مرز و حمل و نقل اختصاص داده است. همچنین قبل از رسیدن کالاها و افراد به مرزهای زمینی و دریایی، ایالات متحده نسبت به آنها اطمینان می‌یابد. وزارت امنیت میهنی اطلاعات بهبود یافته‌تری برای کارکنان سفارت فراهم می‌کند. ایالات متحده از افراد می‌خواهد که اسناد سفرشان را ارائه کنند که شامل برگه‌های هویت بیومتریکی است. ایالات متحده همچنین خواهان همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و بخش‌های خصوصی جهت بهبود امنیت کالا، افراد و بنادر مورد استفاده است. ایالات متحده با دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی همکاری می‌کند تا کیفیت اسناد لغو بهبود یابد و جریان صدور افراد به وسیله‌ی قاچاقچیان و سازمان‌های تروریستی کاهش یابد. وزارت امنیت میهنی در مرزها جریان افراد، کالاها را تحت بازرسی قرار داده تا از ورود افراد غیرقانونی، کالاها و تروریست‌ها جلوگیری شود. همچنین وزارت دسترسی به اطلاعات مربوط به مسافران و کالاهای وارده شده به کشور را افزایش داده و تشکیلات مرزی می‌توانند ابزارهای مدیریت خطر را به کار گیرند. همچنین وزارت به صورت قانونی سیستم ورود و خروج را به کار گرفته و توسعه داده است. تکنولوژی بازرسی غیرمترقبه در رابطه با کالاها و وسایل نقلیه نیز در اختیار وزارت است. بعلاوه، دیده‌بانی و مراقبت از کلیه‌ی مرزها جهت جلوگیری از ورود افراد غیرمجاز و توقیف کالاهای قاچاقی و افراد غیرقانونی از جمله اختیارات وزارت است. همچنین وزارت با همکاری دانشگاهها جریان معاوضه دانشجو را تحت کنترل دارد. (THE NATIONAL STRATEGY FOR HOMELAND SECURITY, 2005)

۳-۴- ساخت دیوار سه لایه در مرز مکزیک و آمریکا

جمهوری خواهان کاخ سفید خواستار ساخت دیواری در طول کل مرز ۲۰۰۰ مایلی آمریکا-مکزیک شدند، طرحی که میلیاردها دلار (۹میلیارد) هزینه در بردارد. دانکن هانتز^(۱)، نماینده‌ی کالیفرنیا و رئیس کمیته ضربات نظامی کاخ سفید، طرحی را اعلام کرد که شامل دیواری سه لایه به همراه روشنایی و سنسورهای کافی بود و از اقیانوس آرام تا خلیج مکزیک یعنی کل مرز را شامل می‌باشد. وی با اشاره به جریان مهاجرت غیرقانونی می‌گوید: «سیل مهاجرت باعث بیمار شدن آموزش، وخیم شدن سیستم بهداشت و مهمتر از همه چیز آسیب پذیری سلامتی و امنیت‌مان شده است.» وی معتقد است که ساخت این دیوار و تقویت قوانین مهاجرت می‌تواند این روند را معکوس نماید. (Werner, 2005) اکلسون در جدیدترین مقاله‌اش، ساخت این دیوار را محتمل



هماهنگی وسیع در میان اعضای نیروهای متفاوت و گوناگون در مرزهای جنوبی می‌گردد؛ و همچنین مسدود نمودن تنگه‌ها که هر شخص توان عبور از آن را داشت این امکان را از بین می‌برد. دولت وقت ایالات متحده آمریکا نیز از این طرح حمایت به عمل آورد: بعد از یازده سپتامبر روشن تر شده که این گونه ابتکارات برای امنیت آمریکای شمالی نقش ارزنده‌ای دارد. نفوذپذیری سرحد گواتمالا- مکزیک باعث آسیب‌پذیری ایالات متحده است. ایالات متحده در جهت تقویت مرز، مکزیک را کمک می‌کند. مؤسسه مهاجرت اعلام کرد که جرم و عبور غیرقانونی در این مدت در مرز کاهش یافته است. (Ibid)

۳-۶- برنامه بازگشت

طبق این برنامه کلیه‌ی السالوادوری‌ها، هندوراسی‌ها و گواتمالایی‌ها در مکزیک توقیف می‌شوند و به مرکز تاپچولا^(۱۱) و از آن پس با اتوبوس به مرز فرستاده می‌شوند. از این مرکز روزانه ۱۰ اتوبوس هر یک ۳۸ نفر از آمریکای مرکزی را به همراه دو مأمور به مرز می‌فرستد. مقامات آمریکایی نیز نسبت به این جریان خوشبین هستند. مردم نقاط دنیا، مکزیک را نقطه‌ی انتقال به آمریکا می‌دانند اما مقامات مکزیک می‌گویند کسانی که از خاورمیانه و با پاسپورت تقلبی وارد مکزیک می‌شوند، توقیف می‌گردند. مکزیک در زمینه‌ی تقویت مرزها کارهای زیر را انجام داده است: سیستم یکپارچه جریان مهاجرت، اطلاعات لینک شده در رابطه با ورود و خروج به کشور؛ در سال ۲۰۰۴ مؤسسه مهاجرت مکزیک کلیه اطلاعات پایه را در تمام ادارات دولتی به هم نصب نمود. سیستم اطلاعاتی مسافرتی پیشرفته در سال ۲۰۰۵، اطلاعاتی مثل عکس‌برداری از ۷/۶ میلیون مسافر خارجی، افزایش حقوق و مهارت پرسنل مرز. در سال ۲۰۰۲، مکزیک اعلام نمود که کارگران و کشاورزان گواتمالایی که وارد مکزیک می‌شوند با کارت‌های هوشمند که به دستگاه‌های کامپیوتری مجهزند اجازه ورود می‌یابند و مدت اقامت و وضعیت آنها نیز کنترل می‌شود. همچنین ویزای توریستی به ۶ ماه محدود شده است. آمریکا حتی به مرزهای مکزیک نیز توجه دارد و خواهان تقویت آن است. آنان مرز سوم خود را مرزهای جنوبی مکزیک با آمریکای مرکزی بخصوص گواتمالا می‌دانستند. آنان معتقدند که مهاجران امیدوار و مافیای پول دوست به این امید وارد مکزیک می‌شدند که به ایالات متحده برسند. (Ibid)

۳-۷- کانادا و تقویت مرز

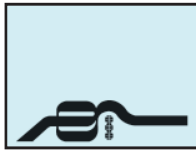
یک اعتقاد قوی در رابطه با بخش شمالی قاره‌ی آمریکایی شمالی وجود دارد که مشکلات امنیتی در این قسمت معنایی ندارد. نسل دانش‌آموزان کانادایی و برخی آمریکایی‌ها، متقاعد شده‌اند که مرز آمریکا - کانادا طولانی‌ترین سرحد بی دفاع جهان است. این مرز بدون دفاع بوده زیرا هیچ یک از این دو کشور مشکلات امنیتی با هم نداشته و یا تهدیدی برای دیگری نبوده‌اند. کانادا و آمریکا جامعه‌ی امنیتی بکر بوده چرا که استفاده از نیرو و یا حتی تهدید با استفاده از آن فراموش شده است. وضعیت و شرایط ژئوپلیتیک مرزی برای کانادا و آمریکا زیاد بحرانی نبوده است. اما هر کس که از مرزهای اروپای غربی عبور کرده است با دیدن مرز کانادا- ایالات متحده در این روزها متوجه نوعی مدیحه سرایی عجیب می‌شود. در مقایسه با سرحدات مرزی در داخل اروپای غربی، مرز آمریکا- کانادا از نظر

نفوذپذیری و عبور و مرور چیزی نیست. حتی از یازده سپتامبر به بعد مرز جداکننده‌ی کانادا از ایالات متحده به مرز مکزیک و ایالات متحده شبیه شده است. با پیمان اصلاح وضعیت ورود و تقویت امنیت مرزی ایالات متحده که در سال ۲۰۰۵ تصویب شد، مقامات آمریکایی خواستار ثبت اطلاعات افراد در حال ورود و حتی خروج از ایالات متحده شدند. از این حوادث غیرمتعارف که گریبانگیر کانادا نیز شد، اتاوا با ورود و خروجی نزدیک به ۲۰ میلیون مورد به صورت سالانه ترسید. هم اکنون مرز آمریکا- کانادا به بزرگترین پارکینگ جهان تبدیل شده است. در دنیای جهانی شده‌ی امروز که در آن مرزها- گفته می‌شود- اهمیت خویش را از دست می‌دهند، به نظر نمی‌رسد که این امر در این جا اتفاق افتاده باشد. چون به جای کانادایی شدن مرز جنوبی آمریکا، ما شاهد مکزیک‌ی شدن مرز شمالی آمریکا هستیم. (Huglund, 2003) سادواسکی و اسمیت در این زمینه معتقدند که مرزها هنوز موضوعیت دارند. مثلاً در مورد نفتا، ایالات متحده دارای توان کنترل مرز و حفظ تعرفه‌هایش حتی در درون نفتا است. در حالی که ما شاهد برداشتن موانع و کنترل مرزی در اتحادیه اروپا بوده‌ایم، در بعد از ۱۱ سپتامبر، نظامی کردن مجدد مرزهای کانادا و ایالات متحده نیز وجود داشته است. روابط این دو کشور در سطح پائینی است، بخصوص به دلیل عدم تمایل کانادا در جهت قوانین و رویه‌های مهاجرتی‌اش در مرز با ایالات متحده. سادواسکی و اسمیت می‌گویند دلیلی برای تضعیف دولت ملت و عدم توان تقویت مرزها وجود ندارد.

آنان معتقدند که مراقبت‌های روزافزون ایالات متحده در مرزهایش باعث نتایجی مثبت مثل کاهش مهاجران غیرقانونی شده است. (Peterson, 2005) گرچه تأثیرات ابعاد امنیتی جدید به آسانی تخمین زده نمی‌شود. ولی حکایت عبور و مرور غیرقانونی از مرز با امور اجرایی امنیتی به طور طبیعی تیترو روزنامه‌های آمریکای شمالی شده است. هرچند داستانها و حکایت مربوط به این امر وارونه بیان شده است، ولی بسیاری از آمریکایی‌ها محال است فکر نکنند که مرزهایشان منبع تهدید و اضطراب خاطری برای آنان است. (Haglund, 2003) ایالات متحده در حال حاضر اثبات کرده است که بسیار بیشتر از هر زمان دیگر نسبت به مدیریت مرزش جدی و حساس است. (Newman, and Passi, 1998) بعداً سناتور اصلی نیویورک، هیلاری کلینتون^(۱۲) (وزیر خارجه کنونی آمریکا) از وزیر مهاجرت کانادا، دنیس کودرا^(۱۳) عذرخواهی کرد و گفت به دلیل این که آمریکایی‌ها نسبت به امنیت مرزی شان بسیار نگران شده‌اند؛ حتی هشدارهای این چنینی برای همه نیز قابل باور شده است: من با حفظ مسئولیتیم به صورت جدی در ارتباط با تعهد و مسئولیت دولت در قبال اختصاص منابع زیاد جهت حفاظت از مرز شمالی مان صحبت می‌کنم. هم اکنون کانادا نه تنها قربانی سیاست‌های آمریکاست، بلکه خود به عنوان منبع مشکل شناخته شده است. هیلاری کلینتون مرزهای نفوذپذیر شمالی را عامل ورود تروریست‌ها به ایالات متحده دانست. برنامه‌های تلویزیونی مثل The west wing و Americas most wanted موجب درک این شده که تروریست‌ها از طریق کانادا وارد ایالات متحده شده‌اند. (Gilbert, 2005)

۳-۸- نسخه‌ی ۶۰ دقیقه‌ای

کلینتون تنها شخص سیاسی آمریکایی نیست که نسبت به مرزهای شمالی کشورش نگران باشد. آن آمریکایی‌هایی که متقاعد شده‌اند کانادا



آمریکایی‌ها از حدود استقلال و حاکمیت کانادایی روبرو شده است. با پایان سپتامبر ۲۰۰۱، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که درصد زیادی از کانادایی‌ها به معاوضه‌ی قسمتی از حاکمیت - هرچند از امنیت بیشتر آنها را تضمین نموده - معتقد هستند. (Huglund, 2003)

۳-۹- عدم تشکر

در رابطه با مجموعه تلاش‌های کانادایی‌ها در ارتباط با تعدیل سیاست مهاجرت، جرج بوش در سخنرانی‌اش با عنوان جنگ با ترور در کنگره از برخی کشورها غیر از کانادا تشکر فراوانی کرد. بعداً نیز در ملاقات بوش با نخست‌وزیر کانادا، وی سخنان قبلی‌اش را تکرار نمود. هرچند که وی گفت: من لزومی ندانستم از برادرم تشکر نمایم. چرا که ما در مورد یک خانواده صحبت می‌کنیم. این حرف بیانگر این است که ایالات متحده از کانادا نیز همانند خود خواهان تفکر مجدد در مورد امنیت مرزی‌اش است. کانادایی‌ها دیگر نیازمند متقاعد شدن نیستند که آمریکایی‌ها بیش از حد نسبت به امنیت مرزی خویش حساسند. به هر حال سیاست مهاجرت و جمعیتی کانادا بسیار مورد توجه آمریکایی‌ها است.

آمریکایی‌ها معتقدند که هواپیما ربايان يازده سپتامبر از طريق کانادا وارد آن کشور شده‌اند. تفاوت اصلی بین دو کشور در مورد پذیرش شهروندی این است که ایالات متحده از آمریکای لاتین و کانادایی‌ها از جاهایی که ضدآمریکایی‌اند، مهاجر می‌پذیرند. پس احتمالاً این بینش نیز وجود دارد که متجاوزین مسلح و عبور کننده از مرز، از طریق کانادا وارد شده‌اند و البته این نیز طبیعی است که مهاجرین ضدآمریکایی در کانادا باشند و در آینده همانند رسام وارد آمریکا گردند. یعنی براساس نظر بسیاری از آمریکایی‌ها، کانادا بخشی از مشکل امنیت سرزمینی این کشور است. (Haglund, 2003)

۳-۱۰- پیامدها

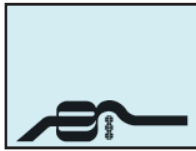
در طول تاریخ تهدیدات برای آمریکای شمالی خارج از منطقه، مثل اروپا و اتحاد جماهیر شوروی بود، اما پس از یازده سپتامبر این وضعیت تغییر کرد. حملات یازده سپتامبر، امنیت ملی را با بعد جدید میهنی، بخصوص در ایالات متحده، مواجه کرد؛ جایی که به صورت تاریخی مرزهای بازرمرز کانادا - آمریکا بود، امروزه پیوند صنعتی و اقتصادی را بالقوه آسیب‌پذیر کرده است. در کانادا وزارت امنیت به شدت مشغول این جریانات است و حتی جهت مکانهای تولیدی در مناطق مرزی نیز از جمله بحث‌های ضروری است. (Ferguson, 2004) تا یازده سپتامبر، دولت ایالات متحده تلاش‌های امنیت مرزی‌اش را اساساً بر مرز مکزیک منحصر کرده بود، اختصاص ۱۶ هزار پست و تشکیلات کنترل مرز از جمله این موارد بود؛ اما یازده سپتامبر، مرزهای شمالی را به شکل تهدید مورد توجه قرار داد. مثلاً کنگره با سه برابر شدن بازرسان و نگهبانان موافقت کرد و در کانادا نیز، مجلس قانون‌گذاری خواهان اختصاص ۹ میلیون دلار اضافی جهت تربیت پرسنل گمرکی در فرودگاه‌ها و بنادر شد. در گذشته از هر ۲۰ کامیون یکی آزمایش می‌شد، در حالی که امروزه همگی آزمایش می‌گردند. هم‌اکنون در کشور کانادا و آمریکا جهت حمایت از آمریکای شمالی به بازرسی افراد می‌پردازند و آنان خواهان حمایت از هر دو ملت هستند. (Morahan, 2001) امنیت مرزی روزافزون و ایجاد

بهشت و مکان امنی برای تروریست‌هاست، مطمئناً با مصاحبه‌ی رسانه‌ای ۶۰ دقیقه‌ای در آوریل ۲۰۰۲ بیشتر ناآرام شدند؛ مصاحبه‌ای که به وسیله‌ی دو مقام بازنشسته‌ی اداره‌ی مهاجرت و اطلاعات [کانادا] یعنی دیوید هریس^(۱۴) و جیمز بیست^(۱۵) صورت گرفت. هریس و بیست اتاوا را به علت سیستم ضعیف مهاجرت و پناهندگی‌اش مورد اتهام قرار دادند و معتقد بودند که تروریست‌ها قادر به ماندن در آنجا هستند. در حقیقت، بسیاری از کانادایی‌ها احساس می‌کنند که سیستم مهاجرت و پناهندگی کانادا دچار اختلال، فساد و ضعف بوده و باید اصلاح شود. بسیاری از آمریکایی‌ها به نظر می‌آید که متقاعد شده‌اند - و هستند - که دست کم تعدادی از تروریست‌های یازده سپتامبر از طریق کانادا وارد ایالات متحده شدند. یکی از اعضای کنگره دو هفته بعد از حملات یازده سپتامبر اظهار داشت که: آن افراد از طریق کانادا وارد کشور شدند. گرچه، هیچ یک از هواپیماربايان از طريق کانادا وارد نشده بودند. مقامات کانادایی نتوانستند آمریکایی‌ها را متقاعد نمایند که مرز آنها در هفته‌ها و ماه‌های بعد از یازده سپتامبر دارای امنیت است.

بخشی از این ناآرامی نیز به علت واقع‌گرایی آنها بود که قدرت کانادایی‌ها را در جهت جلوگیری از ورود تروریست‌ها به ایالات متحده ضعیف می‌دانستند. آنان معتقد بودند که با وجود این حقیقت که فعالیت‌های سرویس اقامت و مهاجرت ایالات متحده (INS) و سرویس‌های اطلاعاتی در جهت جلوگیری از شاخک‌های القاعده در آمریکا بسیار زیاد بود ولی نتوانست از آن جلوگیری نماید، چگونه کانادایی که نسبتاً ضعیف است بتواند در مقابل این گونه تهدیدات مقاومت کند؟ کانادا هدف تروریست‌ها نیست، اما برای شروع عملیات و پشتیبانی از آن در مورد اهداف مورد نظر در آمریکا بسیار مناسب است. (Haglund, 2003) این نگرانی به وسیله‌ی حادثه‌ای قبلی تقویت شد.

در دسامبر ۱۹۹۹، احمد رسام در مرز بریتش کلمبیا - واشنگتن دستگیر شد. ماشین وی پر از بمب بود و قصد وی فرودگاه بین‌المللی لس آنجلس. این جریان باعث شک ایالات متحده در رابطه با سیاست و امنیت ضعیف کانادا شد، بخصوص هنگامی که رسام از طریق یک پاسپورت تقلبی به کانادا سفر کرده بود و بعداً اسناد جعلی کانادایی را نیز بدست آورده بود. رسام هنگامی که دستور بازگشت یافت از کانادا خارج شد. هرچند که وی تنها نفری نبود که با مواد انفجاری دستگیر شد، اما این مورد بعداً باعث انتقاد آمریکایی‌ها و کانادایی‌ها در رابطه با سیاست ضعیف مهاجرت کانادا شد. (Gillbert, 2005)

پس در طی روزها و هفته‌های پس از یازده سپتامبر، رهبران کانادایی نسبت به چشم‌انداز تعدیل سیاست‌های مهاجرتی و پناهندگی کشور و هدف امنیتی ایالات متحده آگاه شدند. اما از این نگران شدن که تجانس فعالیت‌ها با ایالات متحده به مخالفت، هم از جانب لابی‌های قومی و هم ناسیونالیست‌ها خواهد انجامید. مخالفتی که بر تبلیغ فروش حاکمیت توسط دولت کانادا مبتنی بود. برخی مقامات همانند النور کاپلان^(۱۶) به تکذیب هر گونه مشکلی اقدام نمود، دیگران همانند نخست‌وزیر جین کرتین^(۱۷) نیز تأکید نمود که کانادا حاکمیت مستقلاً در سیاست‌های مهاجرت و پناهندگی خویش دارد. علی‌رغم تمایل لیبرالها برای متقاعد نمودن افکار عمومی، مشخص است که مبنای دولت در رابطه با حاکمیت و استقلال کانادا ضعیف بوده و با نگرانی‌های عمومی کانادایی‌ها در ارتباط با تجاوز و تخطی



شده به وسیله ایالات متحده پس از یازده سپتامبر به معنای حفظ بازبودن مرز نبود. با تصویب پیمان پاترویت، ایالات متحده منابع دفاعی‌اش را در مرز کانادا-ایالات متحده سه برابر کرد. سیستم مشاوره‌ای امنیت میهنی، نیز هنگامی که هشدارها افزایش می‌یافت تهدیدات مرز را به تأخیر می‌انداخت؛ قبل از کریسمس ۲۰۰۳ بود که نمونه‌ای از یک هشدار قوی پخش گردید. همچنین نگرانی‌هایی در رابطه با وجود تداوم ماده‌ی ۱۱۰ از مدرنیزاسیون گمرکات ایالات متحده - که کنترل ورود و خروج شهروندان غیر آمریکایی را به دنبال دارد- جریان آزاد مردم و تجارت را در مرز سد می‌نماید. (Gilbert, 2005) کانادا مخصوصاً نسبت به کاهش حجم عبور و مرور از مرز جنوبی نگران است؛ چیزی که بعد از حملات یازده سپتامبر در جنگ با عراق مجدداً اتفاق افتاد. و نیز در رابطه با جریان مسافرت به کانادا، دولت نسبت به هشدار سازمان بهداشت جهانی در مورد سارس اعتراض نمود. (Haglund, 2003)

این ابعاد امنیت مرزی، که سخت‌گیری‌های غیرقابل تحملی را در نقاط ورودی ایالات متحده موجب گردید، باعث تأثیر بر تجارت و مسافرت گردیده است. ایالات متحده و کانادا روزانه ۱/۳ میلیون دلار با هم معامله‌ی تجاری دارند که بیشتر این کالاها توسط کامیون از مرز می‌گذرد و در هر ۲/۵ ثانیه یک کامیون، روزانه ۴۵ هزار کامیون (Andreas, 2003) و سالانه ۱۴ میلیون کامیون و البته ۲۲ میلیون مسافر از مرز عبور می‌کنند. گرچه ایالات متحده (با ۲۰٪ تجارت خارجی) از تجارت با کانادا سود می‌برد ولی کانادا در این زمینه بشدت به ایالات متحده وابسته است. (Gilbert, 2005) 87 درصدی از صادرات کانادا با آمریکا است و ۴۰ درصد تولید ناخالص ملی از این صادرات بدست می‌آید. (Haglund, 2003) زمانی که ایالات متحده پس از یازده سپتامبر فرودگاهها و مرزهای زمینی خود را بست، جریانات فرامرزی بشدت آسیب دید. در بزرگترین شاهراه عبور و مرور یعنی وینسدور^(۸)، دیترویت توقف کامیونها به ۳۵ کیلومتر رسید. حتی زمانی که مرز بازگشایی شد عبور و مرور به کندی صورت می‌گیرد که به علت این است که بازرسی‌های گمرکی دقیقی صورت می‌گیرد. (Gilbert, 2005)

۳-۱۱- سناریوهای آینده

دست کم سه مسیر برای آینده‌ی مرز در آمریکای شمالی وجود دارد. یکی تقویت دفاع مرزی به وسیله امنیت به همراه تعرفه بالا بر اقتصاد ایالات متحده و همسایگان. دوم هارمونیزاسیون سیاسی چند لایه و اشتراک حاکمیت مثل اتحادیه‌ی اروپا. سناریوی احتمالی برای آمریکای شمالی شامل همکاری‌های امنیتی فرامرزی و تا حدی همگرایی سیاسی است. (Andreas, 2003)

در پایان این گفته شاعر رابرت فراست^(۹) ما را به یاد این امر می‌اندازد که همگرایی سیاسی همانند اروپا برای این ناحیه غیرممکن است: «دیوار خوب همسایه خوب می‌سازد. اما یک دیوار خوب بین همسایگانی که به همدیگر اعتماد دارند باید دروازه‌ای کافی به همراه موانع مؤثر را دارا باشد.» (Haglund, 2003)

خلاصه و نتیجه‌گیری

با نگاه به مرز ایالات متحده و مکزیک این اعتقاد هست که دو روند معکوس و البته متضاد در کنار هم و در ارتباط با مرز وجود دارد. حوادث یازده سپتامبر به معنای از بین رفتن سیاست‌های تجاری و ژئواکونومی نیست بلکه به معنای همجواری و همزیستی امنیت/تجارت و یا ژئوپلیتیک/

شده به وسیله ایالات متحده پس از یازده سپتامبر به معنای حفظ بازبودن مرز نبود. با تصویب پیمان پاترویت، ایالات متحده منابع دفاعی‌اش را در مرز کانادا-ایالات متحده سه برابر کرد. سیستم مشاوره‌ای امنیت میهنی، نیز هنگامی که هشدارها افزایش می‌یافت تهدیدات مرز را به تأخیر می‌انداخت؛ قبل از کریسمس ۲۰۰۳ بود که نمونه‌ای از یک هشدار قوی پخش گردید. همچنین نگرانی‌هایی در رابطه با وجود تداوم ماده‌ی ۱۱۰ از مدرنیزاسیون گمرکات ایالات متحده - که کنترل ورود و خروج شهروندان غیر آمریکایی را به دنبال دارد- جریان آزاد مردم و تجارت را در مرز سد می‌نماید. (Gilbert, 2005) کانادا مخصوصاً نسبت به کاهش حجم عبور و مرور از مرز جنوبی نگران است؛ چیزی که بعد از حملات یازده سپتامبر در جنگ با عراق مجدداً اتفاق افتاد. و نیز در رابطه با جریان مسافرت به کانادا، دولت نسبت به هشدار سازمان بهداشت جهانی در مورد سارس اعتراض نمود. (Haglund, 2003)

این ابعاد امنیت مرزی، که سخت‌گیری‌های غیرقابل تحملی را در نقاط ورودی ایالات متحده موجب گردید، باعث تأثیر بر تجارت و مسافرت گردیده است. ایالات متحده و کانادا روزانه ۱/۳ میلیون دلار با هم معامله‌ی تجاری دارند که بیشتر این کالاها توسط کامیون از مرز می‌گذرد و در هر ۲/۵ ثانیه یک کامیون، روزانه ۴۵ هزار کامیون (Andreas, 2003) و سالانه ۱۴ میلیون کامیون و البته ۲۲ میلیون مسافر از مرز عبور می‌کنند. گرچه ایالات متحده (با ۲۰٪ تجارت خارجی) از تجارت با کانادا سود می‌برد ولی کانادا در این زمینه بشدت به ایالات متحده وابسته است. (Gilbert, 2005) 87 درصدی از صادرات کانادا با آمریکا است و ۴۰ درصد تولید ناخالص ملی از این صادرات بدست می‌آید. (Haglund, 2003) زمانی که ایالات متحده پس از یازده سپتامبر فرودگاهها و مرزهای زمینی خود را بست، جریانات فرامرزی بشدت آسیب دید. در بزرگترین شاهراه عبور و مرور یعنی وینسدور^(۸)، دیترویت توقف کامیونها به ۳۵ کیلومتر رسید. حتی زمانی که مرز بازگشایی شد عبور و مرور به کندی صورت می‌گیرد که به علت این است که بازرسی‌های گمرکی دقیقی صورت می‌گیرد. (Gilbert, 2005)

تأخیر کامیون‌های باری از ۲-۱۵ دقیقه به ۱۰-۱۵ دقیقه افزایش یافته است، که این تأخیر حتی مشکلات زیادی برای برخی کالاهای فاسد شدنی داشت. این امر بر کارخانه‌های اتومبیل که بخش‌هایی در اونتاریو داشتند، تأثیر گذاشت. برخی از آنها به جمع کردن و تعطیلی بخش‌های وابسته‌شان مثل فورد دست زدند. (Andreas, 2003)

این شاخه‌ها در وینسدور، اونتاریو و ست توماس بودند. (Gilbert, 2005)

هم اکنون کانادا پس از یازده سپتامبر سیاست ضدتروریستی‌اش را در عرصه‌ی مهاجرت و امنیت تدوین کرده است. در مورد سیاست‌های مهاجرتی، یک ماه پس از حملات تروریستی، النورکاپلان، وزیر مهاجرت، استراتژی امنیتی پنج‌گانه‌ای را جهت جلوگیری از تروریسم و تعقیب تروریست‌ها اعلام کرد که تقریباً ۵۰ میلیون دلار کانادا سرمایه‌گذاری داشت. این طرح استراتژیک شامل تصویربرداری از آوارگان و زندانی نمودن افراد به دلایل امنیتی بود. در ژوئن ۲۰۰۲، پیمان‌نامه‌ی پناهندگی و مهاجرت جدید تصویب شد.

این پیمان‌نامه اساساً اصلاح‌کننده‌ی کارهای انجام شده در این زمینه درقبل از یازده سپتامبر بود؛ همچنین مسئله مرز، تهدیدات امنیتی و کاهش پناهندگان از دیگر موارد آن بود. به علاوه، کانادا سیاست‌های خویش را



را با تأکید بیشتری بیان می‌کند که به عناصر امنیت برای حکومت سرزمینی برمی‌گردد. برای وی نفتایی شدن مناطق مرزی و سیاست مرزی آمریکا به همراه هم و به صورت منطبق و منظم پیش می‌روند.^(۲۱)

منابع و مآخذ

- 1- Ackleson, J., 2003, security through Technology? Smart Border After September 11th, "Knowledge, Technology & Policy", 16(1).
- 2- Ackleson, J., 2004, Constructing Security on the U.S.-Mexico Border, "Political Geography", 24(2).
- 3- Ackleson, J., 2005, Fencing is Failure: Effective Border Control is not Achieved By Building More Fences, Policy In Focus, "Immigration", 14(2).
- 4- Andreas, D., 2003, Border Security in the age of globalization, "Regional Review", 3(3).
- 5- Coleman, M., 2002, Thinking about the World Banks Accordion Geography of financial globalization, "political geography", 21(4).
- 6- Coleman, M., 2003, The Naming of Terrorism and Evil Outlaws, Geopolitics, 8(3)
- 7- Coleman, M., 2004, U.S. Statecraft and the U.S.-Mexico border as security/economy nexus, political geography 24(2).
- 8- Ferguson, H.A., 2004, Protection and Defense of Critical Infrastructure: Canada/ U.S Cooperation. INTERNET.
- 9- Cilbert, E., 2005, Inevitability of Integration, "Annals of The Association of American Geographer", 95(1).
- 10- Gomm, J., 2005, Can biometrics move beyond borders?: www.CNET.com.
- 11- Grayson, G., 2006, Mexico's southern Flank: the Third U.S Border, "orbis", 50(1).
- 12- Huglund, D.G., North American Cooperation in an Era of Homeland Security, 2003, Orbis, 47(4).
- 13- Kouri, J., 2005, U.S customs and Bility Protection Addresses VUINERA, www.MICNEWS.COM.
- 14- Laflamme-lisa, 2004: www.ct.ca.
- 15- Morahan, L., 2001, Border up at us-Canada security Beef, CNS news.com
- 16- Nevins, J., (2002). Operation gatekeeper, Routledge, London.
- 17- Nayar, P., Patrick, O., Gerard, D., 2005 Book Review, "Political Geography", 24(4).
- 18- Newman, J. and passi, A., 1998, Fences and Neighbors in the Postmodern World, "Progress in Human geography", 22.
- 19- Newsletter, 2003, Biometric Technologies Committee-Government-Internet.
- 20- Office of The President of United States, 2002, Internet.
- 21- Peterson, E., 2005, Book review, "Political geography", 24(8).
- 22- The National Strategy for Homeland Security, 2005, Internet.
- 23- Thomas, R., 2005, Biometrics, Migrants, and Human Rights, Migration Information source, Internet.
- 24- Ting, J.C., 2005, Immigration and National Security, "orbis", 50(1).
- 25- USATODAY/2/22/2005, Hall, m.
- 26- U.S department of Homland Security, 2004.
- 27- Werner, 2005, Congressman proposes Fencing U.S-Mexico border, Border Trade Alliance: www.BTA.Org.
- 28- www.Sfgate.com: March 22, 2002, Bush calls for fast Lanes With Mexico.
- 29- www.Sfgate.com: space Daily, 2004.

پی‌نوشت

- 1- Erie
- 2- Ambassador Bridge
- 3- Ancore
- 4- Zaragoza
- 5- Capital Hill
- (دستگاه سیاسی آمریکا): منظور تشکیلات درگیر جریانات مرزی همانند: INS: اداره گمرکات و... است.
- 6- Brown Sville
- 7- Michael Cherooff
- 8- Patriot
- 9- Visa Waiver Program
- 10- Duncan Hunter
- 11- Tapchula
- 12- Hillary Clinton
- 13- Denis Coderra
- 14- David Harris
- 15- James Bisset
- 16- Elinor Caplan
- 17- Jean Chretien
- 18- Winsddor
- 19- John Monley
- 20- Robert Frost

۲۱- برای درک بیشتر مطالب رجوع شود به: Coleman, ۲۰۰۴ و Nevins, ۲۰۰۲

ژئواکونومی است و این برای سالیان متمادی و در دوران جهانی‌شدن تداوم خواهد داشت. گرچه سیاست مرز پس از یازده سپتامبر در مرز مکزیک و آمریکا تشدید شده است، اما نسبت به جایگزینی مرز ژئوپلیتیک با ژئواکونومی همیشه سؤالهای زیادی وجود دارد.

حوادث ۱۱ سپتامبر بسیار مهم است ولی این به معنای گذر از مرز تجاری به سوی مرز امنیتی دائمی و ماندگار نیست بلکه صورتی آشکار و ملموس از دو روند متضاد در سیاستمداری آمریکا می‌باشد. بخصوص، تلاقی سیاست‌های امنیتی و تجاری ایالات متحده در مناطق مرزی پس از یازده سپتامبر به معنای پیوند اقتصاد و امنیت است که در این زمینه آزمون سیاست در مرز تنش ژئواکونومی و ژئوپلیتیک ایالات متحده را تعدیل کرده است. آزمون ژئواکونومی و ژئوپلیتیک ایالات متحده در مقیاس محلی [یعنی مرز] بسیار پیچیده است و نوعی از مرزسازی [مرزبندی] مجدد و مرز زدایی را همراه با هم و چهره به چهره در عصر جهانی شدن پیش می‌برد. این در حالی است که ما باید بدانیم آزمون ژئواکونومی و ژئوپلیتیک تنها یک پدیده‌ی سازمانی نیست بلکه اظهار هویت نیز هست؛ عقیده‌ی هویت واحدی که در سیاستمداران ایالات متحده تظاهر یافته است. هویت‌های چندگانه در مرز بیانگر هویت واقع‌گرایانه جکسونی در سیاستمداری ایالات متحده است. در شکل فرهنگی، مرز شکاف بین عرصه داخلی، شهروندی و جامعه از یک طرف و جهان خارج آنارشیک و پر از خطر از سوی دیگر است که در دوره‌ی جهانی شدن، نظامی کردن مرز را توجیه می‌کند. این انگاره جکسونی از «دیگری» به شکل غیرقابل تغییر فهمیده می‌شود.

نتیجه این است که اعتقادی از «دیگر» دشمن - مجموعه‌ای از مهاجران غیرقانونی، قاچاقچیان مواد مخدر، بیگانه مجرم و تروریست که در سیاست خارجی و محیط سیاست عمومی تعریف شده‌اند - وجود دارد که باید با آن جنگید و آن از طریق جنگ سرحدی و به شکل مرزهای مستحکم و قوانین مهاجرتی انعطاف‌ناپذیر امکان‌پذیر است. همچنین نگرش جامعه‌شناسی به مکزیک و آمریکا، مسئله مرز و سیاست‌های تحکیم آن را پلی برای اقتصاد آزاد می‌داند. این استدلال نیز هست که این مرز [و مرزسازی] مثالی از جهانی سازی مدرنیته اخیر است؛ ناحیه‌ای سیاسی در حال تغییر که عناصر حاکمیت قدیمی‌اش را حفظ خواهد کرد و نشانه‌ای از «حاکمیت حکومت فراملی» است. به هر حال برخی محققین مرز به طور کلی ادعای مربوط به حذف مرز مکزیک و آمریکا [و البته مرزها] به وسیله‌ی مهاجرت‌های فرامرزی سال‌های اخیر، جریانات سرمایه و... را رد می‌کنند. مثلاً افزایش سیاست‌های نظامی در مرز مکزیک و آمریکا که در قلب معاهده‌ی تجارت آزاد، نفتا، است بیانگر آشتی و پیوند ژئوپلیتیک/ژئواکونومی و امنیت/اقتصاد است.

در این زمینه به ایالات متحده، حکومت دروازه بان نام می‌نهند که مهاجران ناشی از سیاست بازسازی بازار مکزیک [در نتیجه‌ی معاهده‌ی نفتا] و به وسیله خود حکومت آمریکا را کنترل و تحت مدیریت قرار می‌دهد. در همان حال و به صورت متناقض، امنیت را در مقابل خطرات اجتماعی رها شده به وسیله جهانی شدن تأمین می‌کند. بیان می‌شود که قواعد ژئوپلیتیکی ایالات متحده [یعنی سیاست‌های مهاجرت و گمرک] نسخه دوم منافع ژئواکونومیک [یعنی تجارت آزاد] است؛ این منافع تجاری به صورت استراتژیک با تصاویر امنیت همراه است. نوین این گونه استدلالها